

تأثیر آیات قرآن کریم

در

آیات دیوان امیر معزی نیشابوری

تألیف: رضا دهمرده

www.ketab.ir

سرشناسه	دهم ده، رضا، ۱۳۲۴ -
عنوان قراردادی	دیوان، شرح
عنوان و نام پدید آور	تأثیر آیات قرآن کریم در کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری، تألیف رضا دهمر ده.
مشخصات نشر	تهران: پرنیان اندیش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۳۳۵ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۰۳-۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه
یادداشت	نمایه
موضوع	امیر معزی، محمد بن عبدالملک، ۵۲۰ ق - دیوان -- نقد و تفسیر
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد
موضوع	شعر فارسی -- تأثیر قرآن
شناسه افزوده	امیر معزی، محمد بن عبدالملک، ۵۲۰ ق - دیوان، شرح
رده بندی کنگره	۴۸۴۰ PIR ۹۱۳۹۳ ۹۵۹
رده بندی دیوبی	۲۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۴۲۰۵

انتشارات پرنیان اندیش

عنوان: تأثیر آیات قرآن کریم در کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری

تألیف: رضا دهمر ده

چاپ اول: ۱۳۹۳

طراح جلد و مدیریت چاپ: مهندس سپهر انصاری - ۱۲۵۲۷۰۹۶۹

طراح صفحات: عصمت گلزار

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۵۲ صفحه

ارزش: ۱۴۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۰۳-۵-۵

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۱	مقدمه
۱۴	زادگاه
۱۵	ذریعی شاعران درباره شعر معری
۲۲	بیان کرد معری

فصل اول: تعریفات و کلیات

۳۳	اقتیاب
۳۵	تلمیح
۴۲	فرق مابین تلمیح و اقتباس
۴۶	انشار
۴۸	نوع انشار
۵۰	آیاتی تلمیح و انشار تفاوت است

فصل دوم: آیات قرآنی

۵۵	بعضی عینی
۵۷	أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّكُمْ قَوْمٌ فَاسِقُونَ
۵۹	أَفَنُؤَلِّقُ الْاِلَهَیَّ
۶۲	اضغاث احلام
۶۳	اسجد و اقرب
۶۴	بأس شدید
۶۶	بالعشی والاکار
۶۹	یاد و سلام بیند اگر بگذرد به تار
۷۱	تبعام
۷۵	بیل و بنات
۷۷	حالت عدل
۸۲	مکه الفردوس

٨٤..... جمع الشمس في القمر

٨٥..... حاشي ثمة

٨٩..... جبل الورد

٩٢..... جبل المئين - حسن العباب

٩٤..... حتى توارت بالخطاب

٩٧..... حجر الاسود في ماء و صفا

١٠٠..... بحر القع و آب

١٠١..... ما خلقني من النار و خلقته من طين

١٠٥..... ايمان

١٠٧..... في القمر

١١٤..... روح مئين

١١٨..... زهيدان

١٢٣..... زبور

١٢٥..... سبحان من اسرى

١٢١..... سبع الشاني

١٢٩..... مستحيل

١٣٧..... معبر

١٣٨..... شاخ مدرة

١٤١..... شراب طهور

١٤٦..... صرح ممر

١٤٩..... صلح منضود

١٥٠..... طوبى لهم و لحسن ماكب

١٥٢..... طيرا ابابيل

..... غاد كالعرجون

..... عبقري

١٥٠..... عزي و لات

١٦٠..... عفريت

١٦١..... قاض

١٦٥..... قراء

١٦٧..... فصل الخطاب

١٦٩..... قسيس

١٧٠	فصوص و تذكير
١٧٢	قصير
١٧٣	كرام الكتبيين
١٧٥	كواعب الارب
١٧٨	لا رطب و يابس
١٨١	لا يؤيد لكون
١٨٥	لما عادون فيها
١٨٦	لما مكنون
١٨٨	لوح محفوظ
١٨٩	لما في
١٩٢	ما لك في
١٩٨	ما يملكون
١٩٩	مشيد
٢٠١	منك الموت
٢٠٦	نون و القلم
٢١٠	و انزلنا الحديد
٢١٣	هاروت
٢١٨	هذه
٢٢١	هل من مزيد
٢٢٣	يا اخرج
٢٣٠	يغفل الله ما يشاء يحكم الله ما يريد
٢٣٥	يوقون و يخافون
٢٣٨	يوم الدين
٢٤٠	فهرست نيات قرآن
٢٤٠	فهرست منابع و مآخذ

یا رب به کریمی کریمانم بخش
بر آب دو دیده یتیمانم بخش
دیار به لطف و کرمت بخشیدی
این بار به سلطان خراسانم بخش

یا رب به علی و ابیطالب و آل
آن شیر خداوند جهان جل جلال
کاندر سه تن رسید فریاد همه
اندر دم نزع و قبر و هنگام سؤال

یا رب من اگر گناه بی عذر دارم
دانم به یقین که بر تن خود کردم
از هر چه مخالف رضای توست
برگشتم و توبه کردم و بد کردم
(خواجه عبدالله انصاری، رباعیات)

ابوعبدالله محمد بن عبدالملک معزی نیشابوری به اسم عبدالملک برهانی شاعر
دربار ملکشاه سلجوقی است. معزی خود به نظامی عروضی و سرفندی حکایت
کرده است که چون پدرم در قزوین وفات یافت، شاعر ملکشاه شمس، با من چون یکبار
نتوانستم که سلطان را از دور ببینم. خواجه نظام الملک به شعراً توجهی نداشت.
تا روزی به دیدار علاءالدوله امیرعلی فرامرز رفتم. چون وامدار بودم حال خویش
را با او در میان گذاشتم، به پایمردی او در رویت هلال ماه رمضان پیش سلطان راه
یافتم. چون سلطان اول کسی بود که ماه را رویت کرد، علاءالدوله به من اشاره کرد
که پسر برهانی در این معنی چیزی بگویی. من بر فور این دو بیتی بگفتم:

ای ماه! چو ابروان یاری گویی یا نی، چو کمان شهر یاری گویی
 نعلی زده از زرّ عیاری گویی در گوش سپهر گوشواری گویی

سلطان را خوش آمد و دستور داد که مرا به لقب سلطان بخوانند. چون سلطان معز الدّینا و الدّین لقب داشت، مرا مُعزّی خواندند. سلطان گفت: «برو از آنّخر هر دامن اسب که خواهی بگشای. و درین حالت برکنار آنّخر بودیم. امیرعلی اسبی نامزد کرده باور دند و به کسان من دادند. ارزیدی سیصد دینار نیشابوری. سلطان به مصر رفت. و من در خدمت. نماز شام بگزاردیم. و به خوان شدیم. بر خوان امیرعلی گفت: «برو هان! درین تشریفی که خداوند جهان فرمود هیچ نگفتی. حالی دویستی بگوش.» و بر پای جستم و خدمت کردم، و چنان که آمد، حالی این دو بیتی بگفتم:

چون آتش خاطر مرا شاه بدید از خاک مرا بر زبر ماه کشید
 چون آب یکی ترانه از من بشنید چون باد یکی مرکب خاصم بخشید

چون این دو بیتی ادا کردم، علاءالدوله احسنت ها کرد. و به من - احسنت - او سلطان مرا هزار دینار فرمود. علاءالدوله گفت: «جامگی و اجراش رسیده است. فردا بر دامن خواجه خواهم نشست تا جامگی اش از خزانه بفراش. و اجراش بر سپاهان نویسد. گفت: «مگر تو کنی که دیگران را این حسبت نیست.» و او را به قلب من باز خوانید! و لقب سلطان معزالدینا والدین بود. امیرعلی مرا «خواجه معزّی» خواند. سلطان گفت: «امیر معزّی».

... آن بزرگ - بزرگ زاده چنان ساخت که دیگر روز نماز پیشین هزار دینار بخشیده و هزار و دویست دینار جامگی و برات نیز هزار من غله به من رسیده بود. و چون ماه رمضان بیرون شد. مرا به مجلس خواند. و با سلطان ندیم کرد. و اقبال من روی در ترقی نهاد. و بعد از آن بیوسته تیمار من همی داشت. و امروز هر چه آرام و عنایت آن پادشاه زاده دارم. ایزد تبارک و تعالی خاک او را به انوار رحمت خویش گرداناد. بَمَنه و فَضله...

معزی یکی از بزرگ شاعران بزرگ ایران است که او را به استادی و عظمت مقام ستوده اند. شاعران او را به لطیف طبعی و استادی مدح کرده اند. سنایی، سید حسن دینوری و شیر بیلقانی به ستایش او برخاسته اند اما خاقانی و انوری زبان به طعن انداخته اند. چون معزی در قصاید خود به فرخی و عنصری نظر داشته است. انوری که استاد است که خون دو دیوان به گردن اوست. شعر معزی ساده است. معزی معانی بسیار را در الفاظ ساده خالی از تکلف ادا می کند و قوت طبع او در آوردن عبارات ساده و بدون تعقید و ابهام از قدیم مورد توجه ناقدان سخن بوده است. هر چند که در تغزلات و غزلیات او طراوت تغزلهای فرخی دیده نمی شود لیکن بهر حال کوششی که وی در سرودن غزلهای نغز بکار برده مسلماً وسیله موثری در - پیشرفت فن غزلسرایی شده است. معزی بیش از شاعران دیگر تحت تأثیر لهجه عمومی عصر خود قرار گرفته است. آنچه در این راه به انوری شاعر اواخر عهد خود نرسیده لیکن بی تردید مقدمه آن را او و دیگر گویندگان قرن ششم را به میزان بسیار فراهم کرده است. دیوان معزی قریب نوزده هزار بیت دارد و به همت مرحوم عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۳۱۸ شمسی به چاپ رسیده است.